

## نوآوری‌های امام صدر در مواجهه با رویداد کربلا

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محسن الویری، عضو هیأت علمی دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

کتاب سفر شهادت مجموعه‌ای از سخنرانی‌های امام موسی صدر است که به صورت پراکنده در زمان و مکان‌های مختلف ایراد و در این کتاب گردآوری شده‌است. داوری درباره این‌گونه آثار با اثری که مؤلفی با نیت گردآوری کتاب و نگارش موضوعی می‌نویسد، متفاوت است. سخنرانی‌های امام موسی صدر الزاماً بیان‌گر همه افکار و آرای ایشان درباره امام حسین علیه‌السلام و نهضت عاشورا نیست.

در مواجهه با پدیده‌های تاریخی و برای فهم آن‌ها لایه‌های مختلفی وجود دارد که سه لایه از آن‌ها بدین قرارند:

**الف) روایت:** گاه ما تنها به روایت رویدادهای تاریخی می‌پردازیم و فقط آن را بازگو و وصف می‌کنیم که این رویداد چگونه صورت گرفت و توالی زمان اجزای آن و جزئیات آن چیست. برای مثال می‌گوییم که امام حسین علیه‌السلام در مدینه بودند، بیعت بر ایشان عرضه شد و نپذیرفتند و به مکه آمدند. در مکه گفت‌وگوهایی داشتند. نامه‌هایی از مردم کوفه دریافت کردند و تصمیم گرفتند که در ایام حج مکه را ترک کنند. به سمت کوفه حرکت کردند و... به همین ترتیب رویداد را روایت می‌کنیم.

**ب) تفسیر:** این لایه فهم تاریخی مبتنی بر درک و وصف اولیه است. در این لایه روایت اولیه را تفسیر و تحلیل می‌کنیم و در تلاش برای پی بردن به لایه‌ای عمیق‌تر هستیم. در واقع، در مرحله دوم در پی تحلیل پیام پنهان در پشت این اقدام‌ها هستیم. انگیزه‌های اصلی امام در اینجا چه بود؟ انگیزه‌هایی که شاید در رویداد تاریخی ثبت نشده است. جایگاه این رویداد را در کلان تاریخ چگونه می‌بینیم؟ پیوند آن با قبل و بعد آن چگونه است؟

**ج) اهتمام به امتداد اجتماعی رویداد:** در این مرحله می‌کوشیم مبتنی بر روایت و تفسیری که از رویداد داریم به آن امتداد اجتماعی ببخشیم. این موضوع با مسأله بسیار مهم و کمتر مورد توجهی به نام تاریخ کاربردی پیوند می‌خورد. در این مرحله در حقیقت به استمرار امر تاریخی در تمام یا بخشی از متن زندگی می‌اندیشیم. مسأله ما در این مرحله آن است که آیا رویداد تاریخی چونان خاطره‌ای در ذهن‌ها و کتاب‌ها ثبت شده یا، فراتر از آن، در متن زندگی ما هم جاری است؟ چگونه می‌توان این رویداد را در قالب آداب و رسوم و یا مناسک اجتماعی تداوم بخشید؟ به عنوان مثال مراسم سالانه ما برای حادثه کربلا در واقع شکلی از استمرار رویداد تاریخی است که مبتنی بر روایت و تفسیر خاص ما از این رویداد صورت می‌بندد. هر رویداد تاریخی ظرفیت لازم برای امتداد اجتماعی ندارد، برخی رویدادها تنها در حافظه تاریخی یک ملت باقی می‌مانند، برخی دیگر در هزاره‌ها مورد توجه و بزرگداشت قرار می‌گیرند، برخی دیگر این قابلیت را دارند

که سالانه برای آنها مراسم گرفته شود و برخی دیگر با زندگی روزمره مردم و روحیات همیشگی مردم و با عمق زندگی مردم گره خورده‌اند. رویداد عاشورا نمونه بارز و منحصر به فرد این نوع رویدادهاست. میزان پیوستگی رویداد کربلا با زندگی مردم امتداد اجتماعی تفسیر مبتنی بر روایت ما از این رویداد تاریخی است .

امام موسی صدر در هر سه لایه مواجهه با رویداد کربلا، حرف‌های نو، نگاه نو و تأملات شایان توجهی دارد .

## نوآوری امام صدر در بیان رویداد کربلا

در بیان «روایت» در مقایسه با «تفسیر» و «اهتمام به امتداد اجتماعی رویداد» در نوشته‌ها و گفتارهای امام موسی صدر وجه تمایز خاصی با دیگران دیده نمی‌شود. برای برخی از رویدادهای تاریخی نیازمند مراجعه مستمر به اسناد تاریخی و واکاوی و سنجش آن با یکدیگر هستیم. اگر کسی آن رویداد را روایت کرد، باید دقیقاً بررسی شود که به استناد کدام منابع بوده است. اما برخی از رویدادها کلیاتی دارند که به سبب تکرار، به اصطلاح در زمره متواترات به حساب می‌آیند. در این گونه رویدادها دیگر به دنبال سند نمی‌گردند. به اصطلاح، کلیت این گزارش و رویداد تاریخی بر سر زبان‌هاست و معمولاً کسی خود را ملزم به یافتن سند برای آن‌ها نمی‌کند .

از نظر من نگاه امام صدر در این خصوص، جز در یکی دو مورد، همسان بقیه کسانی است که درباره رویداد عاشورا صحبت کرده‌اند و برخلاف مورخان، خیلی دغدغه سند ندارند. دغدغه مورخ سندیت رویدادهاست. امام صدر این گونه نیست؛ و البته، این امر را مطلقاً ضعف نمی‌دانم. کاملاً بدیهی و طبیعی است؛ چراکه امام موسی صدر در جایگاه مورخ ظاهر نشده است. با این همه ایشان در این زمینه نیز نوآوری‌هایی دارند که به یک نمونه آن اشاره می‌شود:

نمونه مورد نظر من، تفسیر عرفی رویدادها و پدیده‌هایی است که نگاه رایج به آن‌ها نگاهی اعجاز گونه و ماورایی است. این رویکرد اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، زیرا به هر اندازه که تفسیرمان را از پدیده‌هایی مثل اربعین و عاشورا و حرکت امام حسین علیه‌السلام ماورایی کنیم و به عوامل پنهان و غیبی پیوندش دهیم، مانند نقش حضور جنیان در حادثه، آن را از دسترس فهم مردم دور کرده‌ایم. این به معنای انکار وجه آسمانی حرکت امام حسین علیه‌السلام نیست. فراموش نمی‌کنیم که از یک انسان معصوم و از بزرگ‌ترین شهید تاریخ سخن می‌گوییم؛ از بزرگ‌ترین کسی که حرکت اصلاحی اجتماعی را با خون خود رقم زد و وجه آسمانی این حرکت مطلقاً محل انکار نیست، بلکه مقصود نقد رویه‌ای است که در بیان رویدادها، به جای مدد جستن از آیات قرآن و روایات صحیح و مسلمات تاریخی به خواب و رؤیا و اموری غیرقابل اثبات و رد پناه می‌برد. امام موسی تفسیری بسیار دقیق و عرفی از این گونه وقایع ارائه می‌دهد. از یاد نبریم که نقد

روایت ماورایی از رویدادهای تاریخی نیاز ۵۰ سال پیش و فقط خاص جامعه لبنان نیست و تشخیص آن روز امام صدر، مسئله امروز جامعه ایرانی هم است .

برای نمونه، در بیان ماجرای حرکت کاروان شهدا، نقلی هست که وقتی شب‌هنگام سرهای مبارک را در محلی گذاشته بودند، بالای سرهای مقدس بیت شعری ظهور پیدا می‌کرد با این مضمون که آیا امتی که سر نواده‌های پیامبرش را بُرد، می‌تواند امید شفاعت آنان را داشته باشد؟ در ادامه آمده است که یزیدیان آمدند و این بیت را پاک کردند. بعد از مدتی مشاهده کردند که دوباره این بیت ظاهر شد و این ماجرا چند بار تکرار شد. امام صدر بسیار زیبا می‌گوید که ما می‌توانیم تفسیری طبیعی (یا به تعبیر من تفسیر عرفی) از آن داشته باشیم. ایشان می‌گویند که چه‌بسا در بین سپاهیان کسانی بوده‌اند که در دفاع از مظلومیت امام حسین علیه السلام آن شعر را می‌نوشتند و کسان دیگری که دل در گروی یزیدیان داشتند آن را پاک می‌کردند و گروه اول دوباره می‌رفتند و آن را می‌نوشتند تا در حد توانشان در همان مرحله روشنگری کنند. این تفسیر امام صدر به هیچ وجه تاریخ را خدشه‌دار نمی‌کند. ایشان با ارائه تفسیری عرفی، به جای آنکه رویداد را به عوامل ماورایی نسبت دهد که از دسترس فهم مردم دور است، با تفسیری عرفی آن واقعه را درس‌آموز می‌کند. وقتی کسی این‌گونه تحلیل کند که انسانی در وضعیت حصار و تنگنای یزیدیان از حداقل موقعیتش برای روشنگری استفاده کرده است، به آینده هم خط می‌دهد. در واقع، این‌گونه روایت کردن تاریخ، رویداد را برای انسان با همه محدودیت‌هایش الهام‌بخش و درس‌آموز می‌کند .

## نوآوری امام صدر در تفسیر رویداد کربلا

ایشان در لایه دوم مواجهه با رویداد تاریخی که لایه فهم و تفسیر است، بسیار متفاوت ظاهر شده‌اند. اگر در دوران کنونی و بعد از چهل سال که تحلیل‌های جدید از نهضت عاشورا ارائه شده است، کسی این‌گونه صحبت کند، خیلی شگفت‌آور نیست. اما در زمان ایشان که تحلیل‌هایی این‌چنینی از واقعه عاشورا کم بود و شیوع و عمومیت نداشت؛ این‌گونه تفسیر از نهضت عاشورا و پیوند زدن آن با مسائل روز بسیار حائز اهمیت است. تفسیر رویدادی تاریخی که مربوط به چهارده قرن پیش است و پیوند آن به متن زندگی امروز، فهمی کاملاً امروزی می‌خواهد .

تحلیل امام موسی از تحول نبردهای تاریخی از نبردهای طبقاتی به درون طبقاتی و نبرد بین ملت‌ها، تحلیل ایشان از ریشه داشتن استثمار و استعمار و استحمار در مسأله‌ای به نام استضعاف، تفسیر ایشان از ماجرای کربلاء بر اساس منازعه ستم‌پیشگان و ستم‌دیدگان از جمله نوآوری‌های ایشان در این زمینه است که نیازمند بحث‌هایی جداگانه است .

با مواضع امام صدر در مقابل اسرائیل کم و بیش آشنایی داریم. اما پیوند زدن نهضت عاشورا با مسئله اسرائیل در این سخنرانی‌ها تا این درجه لاقط برای من پیش‌بینی‌پذیر نبود. ایشان بارها چه در آغاز سخن چه در پایان سخن چه در حین سخن جبهه یزیدیان را با سپاه دشمنی که در اینجا مصداقش نظام سلطه اسرائیلی است، تطبیق می‌دهد و فرهنگی را که امام حسین علیه‌السلام پایه‌گذاری کرد، برگ برنده مقاومت در برابر سلطه صهیونیست‌ها تفسیر می‌کند .

امام صدر برای برانگیختن مردم جنوب لبنان و برای خروج آنان از وضعیت نگران‌کننده و اسفبار از فرهنگ امام حسین علیه‌السلام الهام گرفته و آن را وسیله‌ای برای از بین بردن انواع بی‌عدالتی‌ها و بی‌نظمی‌های اجتماعی قرار می‌دهد .

این‌گونه برداشت از حادثه عاشورا فقط روایت تاریخ نیست، بلکه مبتنی بر فهم و تفسیری از تاریخ متناسب با نیاز مردم و جامعه‌ای است که در آن به سر می‌برد. این زاویه فکری و چارچوب‌های فکری امام صدر نشان می‌دهد که ایشان از چه افقی به این ماجرا نگاه می‌کند.

هنگامی که فهم خود را از رویداد بیان می‌کنیم، دیگر از مسأله سند روایت عبور کرده‌ایم. ایشان از رویداد کربلا و در چارچوب فهم خود، اعتماد به نفس و ستم‌ستیزی و مقاومت در برابر سلطه را استنباط می‌کند، برای این‌گونه استنباط‌ها کسی نمی‌پرسد سند آن چیست و از کجا آمده است؟

وقتی ایشان برای بیرون آمدن از وضعیت نابسامان کنونی می‌گویند باید قربانی داد: «ما نیازمند آن هستیم که در حد و اندازه انحطاط خود جانفشانی کنیم و قربانیانی در سطح این انحطاط تقدیم کنیم.» و وقتی برای خروج مردم جنوب لبنان از انحطاط اخلاقی و اقتصادی می‌گویند: «ما به این شکل می‌توانیم مشکل خود را حل کنیم، همان‌گونه که امام حسین نیز با این شیوه مشکل خود را حل کرد.» تفسیری از قیام امام حسین علیه‌السلام ارائه می‌دهد که توان حل مشکلات امروزی جامعه را هم دارد .

ایشان در جایی دیگر می‌گویند: «من حسینی که به رنج‌دیدگان اهتمام نورزد نمی‌شناسم، به حسینی که شهید گریه می‌نامندش ایمان ندارم. من به گریه و زاری برای سبک شدن و تخلیه هیجان و ناراحتی ایمان ندارم. ایمان من این است که امکان ندارد امام حسین جز برای احقاق حق کشته نشده باشد. مگر او نبود که می‌فرمود: الا ترون الحق لا يعمل به و ان الباطل لا يتناهي عنه ليرغب المؤمن في لقاء الله.» این نحوه تحلیل قیام سیدالشهداء علیه‌السلام همان ظهور بسیار درخشان ایشان در لایه دوم مواجهه با رویداد تاریخی است .

## نوآوری امام صدر در اهتمام به امتداد اجتماعی رویداد کربلا

همانگونه که ذکر شد سطح سوم مواجهه با یک رویداد تاریخ اهتمام به امتداد اجتماعی آن است. رویدادهای تاریخی گاه اتفاق می‌افتند و برای مدتی فکر را مشغول می‌کنند و تمام می‌شوند؛ گاهی هرچند وقت یکبار مراسمی برای آن گرفته می‌شود تا یاد آن زنده بماند، مثلاً بعد از هزار سال برای چهره‌های علمی بزرگ مانند ابوعلی سینا و ابوریحان مراسم گرفته می‌شود. اما ماجرای امام حسین علیه‌السلام بسیار فراتر از موارد فوق است. یعنی نه تنها مراسم گرفته می‌شود و نه تنها سالانه است، نه تنها در مناسبت‌های مختلف خواندن زیارت امام حسین علیه‌السلام توصیه شده است، بلکه در زندگی روزانه مانند سلام دادن به امام حسین علیه‌السلام به هنگام نوشیدن آب و یا سجده بر تربت پاک ایشان هم جاری است. امام صدر به این نکته کاملاً توجه دارد که رویداد کربلا رویداد تاریخی فراموش‌شده‌ای نیست، بلکه در متن زندگی افراد جاری است و بر همین اساس به بایستگی‌های آن هم توجه نشان داده‌اند.

به عنوان مثال امام موسی تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای از دشمنان امام حسین علیه‌السلام ارائه داده‌اند و دشمنان امام حسین را سه دسته دانسته‌اند: گروه اول، دشمنی است که امام را به قتل رساند؛ گروه دوم، کوشید که بقایای یاد ایشان مانند مشهد و شهادت‌گاه و زیارت‌گاه ایشان را از بین ببرد؛ و گروه سوم، دشمنی است که می‌کوشد راه امام را منحرف کند. کوشیدن برای منحرف کردن راه امام به همان بُعد سوم یک رویداد تاریخی یعنی امتداد اجتماعی آن برمی‌گردد، به استمرار عاشورا در متن زندگی مردم بازمی‌گردد که چگونه غفلت از پیام واقعی سبب می‌شود که آن رویداد از جوهره و روح خود فاصله بگیرد و حرکتی که باید در مسیر زنده کردن مردم باشد، به سمت میراندن مردم برود؛ حرکتی که برای احیای فکر و تعقل و خرد صورت گرفته، به سمت کاهش حساسیت‌های خردورزانه برود. این‌ها در قسمت سوم یعنی بُعد مناسکی عاشوراء و عزاداری‌هاست که ایشان به آن توجه دارند و بارها و بارها در موقعیت‌های مختلف تذکر داده‌اند و بر عزاداری‌های سازنده تأکید کرده‌اند. عزاداری‌ای که در آن معرفت و حیات جلوه‌گر باشد و ما به خود آییم و اعتماد به نفس بیابیم .

امام موسی صدر مصلح اجتماعی است و از این زاویه به قیام کربلا می‌نگرد و برترین درسی هم که از این قیام می‌گیرد، اصلاح‌گری است. حرکت امام حسین برای اصلاح امت اسلامی بود. امام صدر می‌گوید ما هنوز هم همان وضعیت را داریم و باید به دنبال اصلاح باشیم؛ اصلاح چه در گستره امت چه در گستره بشریت. اصلاح‌گری متناسب با قرن بیستم و بیست و یکم؛ اصلاح‌گری مبتنی بر همان روش‌هایی که پیامبر پایه‌گذاری کردند و امام حسین علیه‌السلام ادامه دادند؛ با همان دغدغه‌ها، با همان آرمان‌ها، با همان مبانی، با همان اصول ولی با روش‌های متفاوت.